

بسم الله الرحمن الرحيم

دوره تابستانه اُحیا - کارگاه نظام جامع کلام اسلامی

استاد محمدی - جلسه اول



مصاحبه امام:

- اصل اول: اصل توحید است.
- اصل دوم: خالق و مالک مطلق خداست.
- اصل سوم: فقط باید از خدا اطاعت کرد نه از هیچ کس دیگر.
- نکات:

○ حضرت آقا در طرح کلی: معنای «لا اله الا الله» این است که لا معبود الا الله و معبود ملازم مطاع است و یعنی لا مطاع الا الله/ پس نفی هر دستگاه حکومتی و هر شخصی که مطاع غیر الهی است و اثبات حکومت برای مطاع الهی.

○ می بینید که حضرت امام تا می فرماید اصل توحید است بلافاصله وارد ساحت عمل می شوند که خالق و مالک و حاکم فقط خدا و کسانی که منصوب اویند می باشند.

○ همین طور که توحید را منحصر در فکر و ذهن و مفهوم می کنیم، شرک را هم منحصر در مفهوم می کنیم در حالیکه شرک در فکر یک مرتبه از شرک است ولی در عمل شاید خیلی از رفتارهای ما شرک آلود باشد.

• نکات مهم تحول در سبک زندگی (توحیدی شدن-خالی شدن از شرک):

○ سوالات:

▪ پیامبران از اصلاح اعتقادات مردم شروع می کردند یا از اصلاح رفتارها و اعمال آنها؟

□ از اعتقادات: قولوا لا اله الا الله تفلحوا.

◆ در تفکر اسلامی این باورها و اعتقادات است که شاکله هر انسان را شکل می دهد.

◆ این باور است که از آن اخلاق در می آید.

◆ اگر توحید درست شود سر ریز می کند روی اعتقادات و اعمال دیگر.

◆ توحید نفی طاغوت بیرونی و درونی می کند و موحد برای تقویت توحید خودش باید جهاد بکند،

بیرونی (مبارزه سیاسی و فرهنگی و...) و درونی (جهاد با نفس اماره).

◆ مثال معروف: موعظه امام این بود که «توحید خود را قوی کن!».

◆ نباید در اعتقاد متوقف شد و پشت سر هم کلاس عقاید گذاشت، در واقع نیاییم فقط توحید را توصیف کنیم بلکه دنبال اقامه توحید باشیم.

◆ در مقابل کسی که مدام مشغول عمل است، مثلا اردوی جهادی های زیاد می رود، فعالیت های فرهنگی فراوان می کند لکن همپایه آن اعتقادات خود را تقویت نمی کند، به اسم دین صدمه به دین می زند.

◆ نتیجه اش می شود اینکه: بچه حزب الهی ما به اسم نشان دادن زیباییهای دین می رود

سراغ اسلام رحمانی، به اسم عدالت می شود اپوزوسیون جمهوری اسلامی!

◆ آقا: عدالت باید توام بشود با دو چیز دیگر، عقلانیت و معنویت.

◆ خیلی از ما یک معرفت اجمالی را ده سال پیش کسب کردیم و مدام داریم از جیب می

خوریم!

■ پیامبران اول از عموم مردم شروع می کردند یا از نخبگان جامعه؟

• فرآیند توحید:

○ قول به «لا اله الا الله» باعث تقویت معرفت و ایجاد علقه است/ عمل بر اساس آن معرفت/ تثبیت معرفت و ایمان.

■ **وَ قَالَ عِزَّوَالْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ - لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ**

□ نماز شب راه وصول الی الله است.

• اصل چهارم: هیچ انسانی حق ندارد دیگران را تسلیم خود کند.

• اصل پنجم: از این اصل، آزادی انسان در برابر غیر خدا را می یابیم. (از توحید رساندن به آزادی!)

• اصل ششم: هیچ کس حق محدود کردن آزادی انسانها را با قانون گذاری (قید و محدودیت ایجاد کردن) ندارد.

• اصل هفتم: قانونگذاری فقط برای خداست و همچنان که قوانین هستی و خلقت (تکوین) را خدا مقرر کرده در مقام قوانین تشریحی هم فقط خدا قانون گذار است (چون مالک حقیقی و دانا به مصالح و مفاسد انسان است).

• اصل هشتم: سعادت انسان تنها در گرو رعایت قوانین الهی است.

• اصل نهم: انحطاط بشر بخاطر تسلیم شدن برابر انسانهای دیگر است/ حق عدم اطاعت غیر خدا را رعایت نکرده.

• دستور اول: انسانها باید خود را از اسارت غیر خدا آزاد کند و علاوه بر آن برای آزادی خود و جامعه مبارزه کند (از

توحید رسید به مبارزه).

○ نتیجه: موحد توحید را فقط در اعتقاد ندارد لذا توحید فقط دانستن مصادیق شرک نیست بلکه یک عمل است

و آن مبارزه با مصادیق شرک است/ اختلاف طبقاتی مصادیق شرک است و باید با آن مبارزه کرد.

■ لازمه توحید شد مبارزه با طاغوت و استکبار.

○ سوال: توده ای ها از مسلمان ها سوال می پرسیدند که ما هم مبارزه می کنیم، شما هم مبارزه می کنید، پس

اعتقاد به خدا چه تاثیری در مبارزه دارد؟

■ پاسخ شهید مطهری و آقا (توحید نفی عبودیت غیر خدا): مبارزه موحد بسیار با نشاط تر است چون معتقد

به احدی الحسینین است ولی توده ای اعتقادش این است که اگر پیروز نشود و کشته شود برای همیشه

نابود می شود!

- اصل دهم: همه انسانها در برابر خدا یکسان هستند چون همه فقر محض هستند و عنون و مقام باعث تغییر در اصل انسان که عین الربط و فقر است نمی شود.
- سوال: ما معتقدیم این انقلاب خدمت به دستگاه اهل بیت علیهم السلام است، حال اگر کسی بگوید وقتی امر دایر شد بین حفظ نظام و حفظ جان امام زمان(عج)، این جان معصوم است که فدای نظام می شود.
 - چرا این جمله را می گوئیم(که حتی خیلی ها آنرا غلط می دانند و وقتی می فهمند برای امام خمینی است تسلیم می شوند!) برای این آنرا مطرح کردیم که شما ببینید امام چگونه فکر می کردند و شما هم مثل امام و منظمه فکری او فکر کنید.
 - نتیجه این دست یادگیری منظومه فکری این است که شما توانمند می شوید تا حتی شبهاتی که تاکنون نشنیده اید را پاسخ بدهید، در واقع این نظام فکری باعث می شود هر شبهه ای که به او بدهی برایش پاسخ تولید می کند.
 - هر قدر بیشتر این نظام فکری(خصوصا سه بحث آخرش/ معرفت شناختی-هستی شناختی-انسان شناختی) را خوب بدانید بهتر می توانید این پاسخگویی به شبهه را انجام بدهید.
- سوال دوم: آقا در سال ۱۴ خرداد سال ۹۴ می فرمایند «اصول انقلاب هفت چیز است...»/ سال ۹۰ می فرمایند اصول امام سه چیز است «معنویت، عقلانیت، عدالت» چطور می شود یکبار ۷ اصل و یکبار ۳ اصل دارد؟
 - آن هفت تا بر می گردد به این سه تا؛ وقتی یاد بگیریم این نظام را این گونه بنگریم این تناقضات از بین می رود.
 - حال این سه تا چطور به توحید بر می گردد/ لازمه توحید نفی طاغوت درون است(معنویت)/ لازمه توحید نفی طاغوت بیرونی و مبارزه با آن می کنید(عدالت)/ لازمه توحید اصلاح عقاید فاسد است(عقلانیت).
 - عقلانیت مراتب دارد: اول اصلاح عقاید خود و عمل بر اساس آن عقاید صحیح/ سپس اصلاح عقاید و عمل دیگران/ اقامه توحید در سطح جهان و شکل دهی تمدن توحیدی.